

---

## مطالعه رابطه حقوق شهروندی با امنیت اجتماعی

(مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران)

---

حجت الله ابراهیمیان<sup>۱</sup> - توکل لطفی<sup>۲</sup>

### چکیده

امنیت اجتماعی یکی از مهمترین نیازهای اساسی بشر است و نخستین شرط لازم برای پیشرفت و رسیدن به توسعه برای جوامع متمدن محسوب می‌شود. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که آگاهی از حقوق شهروندی از عوامل تاثیرگذار بر امنیت اجتماعی است. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر مطالعه نقش حقوق شهروندی در امنیت اجتماعی شهروندان است. این پژوهش به صورت پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته با حجم نمونه ۴۰۰ نفر در بین شهروندان ۱۵-۶۵ سال کلانشهر تهران در سال ۱۳۹۸ انجام شده است. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین حقوق شهروندی و ابعاد آن (حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی) با امنیت اجتماعی رابطه معنادار مستقیمی وجود دارد. همچنین نتایج مدل رگرسیون نیز بیانگر آن است که ۲۷ درصد از تغییرات یا واریانس امنیت اجتماعی توسط سه متغیر حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی قابل تبیین است. همچنین قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های متغیر امنیت اجتماعی به ترتیب متغیرهای، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی و حقوق مدنی می‌باشند.

**واژه‌های کلیدی:** امنیت اجتماعی، حقوق شهروندی، حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی.

---

<sup>۱</sup> - استادیار و عضو هیأت علمی گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

[Hojjat49@gmail.com](mailto:Hojjat49@gmail.com)

<sup>۲</sup> - دانشجوی دوره دکتری رشته حقوق عمومی - دانشگاه آزاد اسلامی قم، قم، ایران،

[lotfitavakol@yahoo.com](mailto:lotfitavakol@yahoo.com)

## مقدمه

حقوق شهروندی در چند دهه‌ی اخیر به یکی از پیچیده‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی تبدیل شده و توجه متفکران و سیاستمداران زیادی را به خود جلب کرده است. جایگاه حقوق برای حل موفقیت آمیز مسائل مهم حکومتی یعنی نیاز به امنیت اجتماعی، حفظ نظم و توزیع عادلانه منابع بسیار حیاتی بوده و نقش مهمی در حل منازعات اجتماعی ایفا کرده است. زیرا رعایت حقوق شهروندی منوط به شناسایی این حقوق در جامعه، چگونگی عمل به آنها و نحوه ضمانت اجرایی آنهاست که خود عامل مهمی در جهت رشد شخصیت فردی و اجتماعی به شمار می‌رود. بر این اساس وجود نظم و امنیت اجتماعی به فرد اجازه دخالت آگاهانه در سرنوشت خود را می‌دهد و منجر به احقاق حقوق خود و زندگی بهتر برای خود و دیگر اعضای جامعه می‌شود. از سوی دیگر میزان آگاهی افراد از حقوق و تعهداتشان و شیوه‌های فعال شدن آنها در جامعه میزان تحقق شهروندی و ارتقای مشارکت آنها نقش موثری دارد پس برای اینکه حقوق شهروندی موثر باشد شهروندان باید حقوق خود را بشناسند تا در جهت تحقق نظم و امنیت اجتماعی جامعه به کارگیرند (حکیمی و رضایی‌پور، ۱۳۹۴). زیرا امنیت اجتماعی همان امنیت مشترک و در کنار هم زیستن است. پس امنیت اجتماعی یا نظم عمومی شامل آسایش عمومی و امنیت عمومی و بهداشت می‌شود که آسیب به هر کدام باعث جریحه‌دار شدن وجدان اجتماعی می‌شود. لذا یکی از راهکارها و عناصر منطقی و کارکردی برای ارتقای امنیت اجتماعی، تضمین و تحقق حقوق شهروندی می‌باشد.

اگر حقوق را مجموعه قواعد لازم‌الاجرائی بدانیم که بر روابط افراد یک جامعه حاکم است با ملاحظه نوع رابطه می‌توانیم دو گونه حقوق خصوصی و عمومی را از یکدیگر تفکیک کنیم. هنگامی که از روابط اجتماعی سخن به میان می‌آوریم و روابط افراد را با دولت و عناصر حکومت مورد توجه قرار می‌دهیم به مبحث حقوق اساسی پرداخته‌ایم. منابع حقوق اساسی مشتمل بر قانون اساسی، قوانین عادی و عرف، فرامین رهبران یا رهبر حکومت، رویه قضایی و مراجعه به آرای عمومی ولی هنگامیکه از شهروند و حقوق او سخن به میان می‌آوریم مراد ما مجموعه‌ای از حقوق خصوصی و عمومی است که بر روابط اجتماعی حاکم است. این ایده نمی‌تواند صرفاً مجموعه حقوقی باشد که فرد را در تعهد به دیگران رها کند بلکه حقوق شهروندی همیشه به چارچوبی برای پذیرش و مکانیزم‌هایی برای تحقق‌شان نیاز دارند.

موضوع شهروندی و ارتباط آن با امنیت اجتماعی و سایر شاخص‌های توسعه همه جانبه از مباحثی است که امروزه مورد توجه پژوهشگران و حقوقدانان قرار گرفته است. به علاوه تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع سبب شده است که ضرورت توجه و پرداختن به این موضوع از اهمیت بیشتری نسبت به دوره‌های قبل برخوردار باشد. انسان در هر جامعه‌ای که زندگی می‌کند به عنوان شهروند آن جامعه دارای حقوقی است که رعایت آن توسط هموعان و سیستم حکومتی حاکم بر آن جامعه امری الزامی و انکارناپذیر است. پرداختن به موضوع حقوق شهروندی و رابطه آن با امنیت اجتماعی از آن جهت حائز اهمیت است که به مطالعه زوایای مختلف حقوق شهروندی می‌پردازد و به شناسایی نقش فاکتور امنیت در تحقق عملی حقوق شهروندان در جامعه برای عموم افراد و دولتمردان و تصمیم سازان تلاش می‌نماید. به طوری که امنیت اجتماعی ضمن اینکه یکی از دستاوردهای اجرای حقوق شهروندی می‌باشد خود از بسترهای مهم برای دستیابی شهروندان به حقوق و تکالیف قانونی حاصل از شهروندی محسوب می‌شود. بر این اساس هدف پژوهش حاضر مطالعه رابطه بین حقوق شهروندی و امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر تهران است.

## مبانی نظری پژوهش

### حقوق شهروندی

با گسترش شهرنشینی و مهاجرت به شهر، ازدیاد جمعیت شهری در مناطق مختلف، ورود تکنولوژی و وضع مقررات و قوانین در اجتماع بزرگ انسانی جهت حفظ نظم و برقراری امنیت، مفاهیمی چون شهروندی و حقوق شهروندی تولد یافتند و صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم به مطالعه و گسترش این مفاهیم شهری پرداختند. به طوری که مفهوم شهروندی اگر چه دارای یک تاریخ طولانی است، اما هنوز هم مبهم و مسئله‌دار است. یونگ استدلال می‌کند که شهروندی در حقیقت مجموعه‌ای از ارتباطات عمومی بین مردمی است که می‌خواهند از حالت طبیعت یعنی حالتی که زندگی به صورتی منزوی، فقیرانه، به دور از پاکیزگی و حیوانی جریان دارد، اجتناب ورزند. از این رو، شهروندی نوعی قرارداد اجتماعی است که هدف اصلی آن ارتقای رفاه و امنیت در سطح جامعه است و ضرورتاً به این امر می‌پردازد که افراد یک جامعه چگونه باید رفتار کنند تا به این هدف برسند (مک‌لاکلین، ۲۰۰۸: ۱۰).

در نظریه‌های جامعه‌شناسی، شهروندی طیف وسیعی از نظریات را دربر می‌گیرد. چنان‌که

جامعه‌شناسان مختلف این مفهوم را در زمینه‌های متفاوت مورد بررسی قرار داده‌اند. با این وجود محور مشترک در همه تعاریف، تأکید بر حقوق وظایف شهروندی، مشارکت، برابری شهروندان، هویت شهروندی، نقش و پایگاه شهروندان فارغ از تعلقات اجتماعی، طبقاتی، قومی، نژادی و مذهبی جامعه است که به برخی از نظریه‌ها اشاره می‌شود:

مارشال بر آن است که شهروندی پایگاهی است که به تمامی افرادی که عضو تمام عیار اجتماع هستند، داده می‌شود. این افراد همگی دارای جایگاه برابر و حقوق، وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند. هیچ اصل جهان‌شمولی وجود ندارد که تعیین کند آن حقوق و وظایف چیست‌اند، اما جوامعی که در آنها شهروندی نهادی در حال رشد است، تصویری از شهروند آرمانی خلق می‌کنند که دستیابی به آن قابل اندازه‌گیری است و می‌توان تمایلات افراد را به سوی آن سوق داد (مارشال، ۱۹۹۴: ۱۷).

به عقیده مارشال شهروندی به سه اصل یا عضو مدنی، سیاسی، اجتماعی تقسیم می‌شود. حقوق مدنی که برای آزادی‌های شخصی ضروری است و شامل مواردی چون آزادی بیان، عقیده، تفکر، حق مالکیت اموال و حق دادرسی یکسان در برابر قانون می‌باشد. حقوق سیاسی که شامل حق مشارکت در قدرت و تصمیم‌گیری سیاسی و حق رأی است. حقوق اجتماعی، این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهره‌مند شدن از یک حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود و این حقوق شامل حقوقی مانند مزایای بهداشتی و درمانی، تأمین اجتماعی در صورت بیکاری و تعیین حداقل دستمزد است (اولیور و هیتز، ۱۹۹۴: ۳۴).

از نظر پارسونز، یک شهروندی کامل به دور از هر گونه تبعیض اجتماعی به معنی برخورداری همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آنان از حقوق خود است. بنابراین، آگاهی از حقوق شهروندی نیازمند تأمین انواع مختلف منابع و ایجاد فرصت‌های مناسب و بازتولید ارزش‌های عام از یک طرف و نگرش مناسب به این حقوق از سوی دیگر است. مهمترین مسئله مورد توجه پارسونز گروه‌هایی است که از امتیازات شهروندی محرومند. به عنوان مثال وی این پرسش را مطرح می‌کند: چه چیزی مانع بهره‌مندی سیاهان از مزایای شهروندی کامل شده است؟ و در پاسخ به این سؤال به نقش اندیشه توجه می‌کند و موضوع ارزش‌های فرهنگی را پیش می‌کشد. به نظر او گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکید دارند و خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند درکی از حقوق و امتیازات شهروندی نخواهد داشت (حسام، ۱۳۸۱: ۱۱). بنابراین، افرادی که دارای نگرش‌های

خاص‌گرایانه هستند، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند. در این میان، آموزش نقش مهمی را در جامعه‌پذیری یکپارچه و گسترده افراد و ارائه نگرش‌های عام‌گرایانه ایفا می‌کند تا به تبع آن زمینه آگاهی افراد از حقوق و به تبع آن از وظایف‌شان، فراهم شود.

هابرماس هم معتقد است که شهروندی ناشی از تمایز حوزه اقتصادی-سیاسی و شکل‌گیری حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی است. تنها در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد به عنوان شهروندان دارای حقوق، عضو تمام عیار جامعه خود می‌گردند. در جامعه مدنی تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرآیندهای جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها و گروه‌ها این است که با ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند. بر همین مبنا، وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل کرده است. به زعم هابرماس، حقوق شهروندی تنها در نظام حقوقی مدرن قابل شناسایی است و هسته اصلی نظام حقوقی مدرن را می‌سازد. از طرفی شهروندان نیز باید به مشارکت فعال در جامعه بپردازند و بر اساس احترام متقابل با یکدیگر متحد شوند (هابرماس، ۱۹۹۲: ۳۵۰-۳۴۵).

موریس جانوویتز<sup>۱</sup> (۱۹۷۸) با مرور تاریخی بر مسئله شهروندی و بررسی کاربردهای مختلف آن توسط رهبران، روشنفکران و افراد عادی سه گونه تعریف را از هم تفکیک می‌کند:

۱) شهروندی به صورت یک واژه توصیفی، تجربی-عینی شامل مجموعه تعهدات و حقوق مشخص واکذار شده به افراد شایسته بر یک دولت خاص مثل دولت-شهرهای دوران باستان و دولت-ملت در دوره معاصر.

۲) شهروندی به صورت یک قضاوت اخلاقی دربرگیرنده مجموعه اخلاق و خصایل فردی به عنوان یک شهروند خوب و واقعی.

۳) شهروندی به صورت یک واژه تحلیلی مشتمل بر حمایت دولت از اعضای خود، ایجاد فرصتهایی از طرف دولت برای اعضا در زمینه مشارکت سیاسی.

یوان هبرت و آلن سیزر<sup>۲</sup> در تحلیل ابعاد شهروندی بیان می‌کنند که شهروندی دارای چهار بعد است: ۱) بعد مدنی (۲) بعد سیاسی (۳) بعد اجتماعی-اقتصادی (۴) بعد فرهنگی یا گروهی شهروندی. بعد مدنی شهروندی به شیوه زندگی شهروندان که معمولاً در راستای اهداف

۱. Morris Janowitz

۲. Yvonne Hebert & Alan Sears

آزادمنشانه جامعه است، اشاره دارد. بعد سیاسی شهروندی به طور عمده، شامل حق رأی و مشارکت سیاسی شهروندان است. بعد اجتماعی و اقتصادی شهروندی به ارتباط بین افراد در یک موقعیت اجتماعی و همچنین به مشارکت در یک فضای باز سیاسی اشاره دارد (فالكس، ۱۳۸۴: ۱۳۳).

ژانوسکی<sup>۱</sup> چهار نوع حقوق شهروندی را از هم متمایز می‌کند: حقوق قانونی شامل حق برای قرارداد بستن، آزادی بیان، آزادی مذهب، حقوق مالکیت و خدمات و غیره. حقوق سیاسی شامل: حق رأی، حق تشکیل حزب سیاسی، حق اعتراض، جنبش و غیره. حقوق اجتماعی شامل حق آموزش، مستمری، غرامت بیکاری و غیره. حقوق مشارکت شامل: حقوق مداخله در بازار کار، امنیت شغلی، خدمات ایجاد شغل و غیره (ژانوسکی، ۱۹۹۸: ۱۶۷).

### امنیت اجتماعی

امنیت عبارت است از اطمینان خاطر که بر اساس آن افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند (بوزان، ۱۳۷۸: ۲). عواملی که می‌توانند هویت یک جامعه را تهدید کنند ممکن است از سرکوب آزادی بیان تا مداخله در قابلیت‌های آن برای ابراز هویت خود متغیر باشند. این عوامل ممکن است شامل ممنوعیت به کارگیری زبان، نام‌ها، لباس‌ها، بستن مکان‌های آموزشی و دینی یا تبعید و کشتار اعضای یک اجتماع باشند (نبوی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲). امید زنجانی می‌گوید: مفهوم امنیت مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به معنی آن است که مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید (وائقی، ۱۳۸۰: ۱۳). در مجموع، منظور از امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطر است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود ایجاد کند، امنیت اجتماعی را غالباً به امنیت شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی تقسیم می‌کنند.

از دیدگاه بوزان امنیت اجتماعی عبارت است از: توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، محلی، جنسی و... در حفظ هستی و هویت خود. به عقیده بوزان جوامع درباره مقوله «هویت» بسیار اساسی برخورد می‌کند، او استدلال می‌کند که مقوله کلیدی جامعه هویت است. یعنی آن

<sup>۱</sup>. Janoski

دسته از عقاید و اعمالی که افراد را به عنوان اعضای جامعه خاص معرفی و باز می‌شناساند. جامعه درگیر هویت و درگیر خودباوری گروه‌ها و افرادی که خود را اعضای جامعه می‌دانند (بوزان، ۲۰۰۰: ۴۰).

ویور، امنیت اجتماعی را توان‌مندی جامعه برای مراقبت از خصوصیات و ویژگی‌های بنیادین خود در شرایط تغییر و تهدیدات عینی تعریف کرده است، وی هم‌چنین امنیت اجتماعی را با نیاز به حفظ هویت درارتباط می‌داند. هویت عبارت است از آن‌چه که موجب شناسایی شخص باشد (کلاهچیان، ۱۳۸۴: ۱۳۸). به عقیده ویور، امنیت اجتماعی در کنار امنیت اقتصادی، سیاسی، نظامی و زیست محیطی قابل طرح نیست؛ بلکه هم طراز امنیت اجتماعی، امنیت ملی است. چرا که امنیت اجتماعی در شرایط کنونی مرجع امنیت ملی می‌باشد. از نگاه ویور در حالی که امنیت ملی به تهدیدات علیه حاکمیت می‌پردازد، امنیت اجتماعی معطوف به هویت است که فی‌نفسه مقوله‌ای است بسیار مهم، چون هویت اجتماعی به هر حال وجود دارد چه دولت باشد و چه نباشد. نکته دیگر این که امنیت هویت با امنیت اجتماعی، معنای سیاسی یافته است و عکس‌العمل یک اقلیت در دفاع از هویت خود، فی‌نفسه عملی سیاسی است. از این رو امنیت اجتماعی به اندازه امنیت ملی واجد اعتبار است (نصری، ۱۳۷۸: ۱۳۶). براین اساس ویور حوزه امنیت را بر حسب یک دوگانگی امنیت دولت و امنیت اجتماعی در نظر می‌گیرد.

### نسبت بین حقوق شهروندی و امنیت اجتماعی

به عقیده بوزان<sup>۱</sup> عواملی که می‌توانند هویت یک جامعه را تهدید کنند ممکن است از سرکوب آزادی بیان تا مداخله در قابلیت‌های آن برای ابراز هویت خود متغیر باشند. به عقیده بوزان این عوامل ممکن است شامل ممنوعیت به کارگیری زبان، نام‌ها، لباس‌ها، بستن مکان‌های آموزشی و دینی یا تبعید و کشتار اعضای یک اجتماع باشند، بنابراین برخی از تهدیداتی که متوجه امنیت اجتماعی جامعه می‌شوند ممکن است نظامی باشند مانند کشتن اعضای گروه و فتح قلمرو تاریخی آنها (نبوی و دیگران، ۱۳۸۸). وی امنیت اجتماعی را اینگونه تعریف می‌کند: امنیت عبارتست از اطمینان خاطر که بر اساس آن افراد در جامعه ای که زندگی می‌کنند نسبت به حفظ جان، حیثیت، و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند (بوزان، ۱۳۷۸). امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ ویژگی‌هایی ارتباط دارد که بر مبنای آن افراد

<sup>۱</sup>-Buzan

خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد برمی‌گردد که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد (نویدینیا، ۱۳۸۲). برای توضیح نسبت میان حقوق شهروندی و امنیت در جامعه می‌توان به نظریات استوارت<sup>۱</sup>، لیستر<sup>۲</sup> و دونیسون<sup>۳</sup> اشاره نمود. این سه نظریه‌پرداز به ترتیب از چند مفهوم کلیدی استفاده کرده‌اند. سه مفهوم کلیدی عبارتند از: شهروندسازی توسط حکومت محلی (استوارت)، تحقق عملی حقوق شهروندی در سطح جامعه محلی و شهری (لیستر)، و تحقق عدالت اجتماعی در سطح محلی (دونیسون). به نظر استوارت مهمترین وظیفه مقامات و حکومت‌های محلی که در راستای تقویت، بهبود اجتماع و امنیت کارآمد و مؤثر باید انجام گیرد، شهروندسازی است. شهروندسازی یعنی فراهم نمودن امکانات، تسهیلات و ساز و کارهای لازم برای شهروندان تا آنها از حقوق خودشان بهره‌مند شوند و ضمناً بتوانند به نحوی مناسب وظایف و تکالیف شهروندی‌شان را در قبال جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، انجام دهند. به عقیده وی، حکومت‌های محلی نقش فعال‌تری در ارتقاء و ترغیب شهروندان در تحقق امنیت اجتماعی دارند.

لیستر نیز بر آن است که شهروندسازی مورد نظر استوارت می‌باید در راستای تحقق عینی و عملی حقوق شهروندی صورت گیرد و حکومت‌های محلی زمینه را برای برخوردار شدن شهروندان از حقوق شهروندی مورد نظر مارشال فراهم کنند، و در چنین شرایطی به تحقق امنیت اجتماعی کمک می‌نمایند. دونیسون نیز با تأکید بر تحقق عدالت اجتماعی در سطح محلی و شهری معتقد به ارتباط تنگاتنگ شهروندان و حکومت‌های محلی است و بر آن است که نقش حکومت‌های محلی و شهری تحقق عدالت اجتماعی است. و از این طریق به تحقق امنیت اجتماعی کمک می‌کنند. این دیدگاه‌ها بر این مؤلفه‌های کلیدی زیر تأکید می‌نمایند: نقش حکومت‌ها در تحقق و تثبیت حقوق شهروندی و امنیت اجتماعی، نقش حکومت در تعامل با مشارکت شهروندی و حمایت از شهروندان و برانگیختن زمینه مشارکت شهروندان در تحقق امنیت اجتماعی فراگیر و مورد قبول همه جانبه اکثریت افراد جامعه.

---

<sup>۱</sup>-Stuart

<sup>۲</sup>-leister

<sup>۳</sup>-Denison



### روش پژوهش

پژوهش حاضر به صورت پیمایشی انجام گرفته و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، شهروندان بالای ۱۵ تا ۶۵ سال ساکن شهر تهران در سال ۱۳۹۸ است. جهت تعیین حجم نمونه از جدول لین<sup>۱</sup> استفاده شده و بر این اساس حجم نمونه مورد مطالعه با سطح معناداری ۹۵ درصد و خطای ۵ درصد برابر با ۴۰۰ نفر برآورد شد. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. به این شکل که در مرحله نخست، شهر تهران بر حسب منطقه‌بندی شهرداری به شکل چهار خوشه در نظر گرفته شد و در مرحله دوم، در هر یک از خوشه‌ها به شیوه تصادفی ساده محله‌ها و کوچه‌ها در طرح نمونه‌گیری قرار گرفتند. در مرحله سوم نیز به تناسب تعداد جمعیت ۱۵ تا ۶۵ سال در هر خوشه، از کوچه‌ها و محله‌ها تعدادی به صورت تصادفی انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفتند. برای گردآوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه استفاده است. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

### تعریف عملیاتی مفهومی و عملیاتی مفاهیم

#### امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی به معنای فقدان هراس از این‌که ارزش‌های انسانی مورد هجوم قرار گیرد یا به مخاطره نیفتد و به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع، اطمینان و آرامش قلب و خاطر جمع بودن است (نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸: ۱۴۹). برای سنجش امنیت اجتماعی از سه بعد امنیت هویتی، امنیت فکری و جمعی استفاده شده است. گویه‌های متغیر امنیت اجتماعی به تفکیک هر یک از ابعاد در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

---

۱. Lin.

جدول ۱. گویه‌های سنجش امنیت اجتماعی به تفکیک ابعاد آن

متغیر	بعد	مولفه	معرف	آلفای کرونباخ
امنیت هویتی			احساس می‌کنم شخص با ارزشی هستم. با صراحت عقاید و دیدگاه‌هایم را مطرح می‌کنم. اطمینان دارم از پس مشکلاتی که برایم پیش می‌آید، برمی‌آیم. به طور کلی، از خودم راضی هستم. صحبت کردن در جمع برایم مشکل می‌باشد. در بیشتر موارد احساس بی‌مصرفی و پوچی می‌کنم. هر وقت به هدفم نرسم امیدم را از دست می‌دهم. احساس می‌کنم زندگی‌م دارای هدف است. این باورها و ارزش‌های من است که به زندگی من معنا بخشیده است. در مواجهه با مشکلات، می‌توانم احساسات خودم را مدیریت کنم.	۰/۷۸
			امنیت اجتماعی	فکری
امنیت جمعی			این روزها شرایط به گونه‌ای شده که شما حتی نمی‌توانید به دوستان خود نیز اعتماد کنید. الان وضع طوری شده که آدم نباید به غیر از خودش به کسی فکر کند. در جامعه ما هر کس باید به فکر خودش باشد و سرنوشت دیگران نباید برایش مهم باشد. در جامعه ما افراد می‌توانند با هر کسی که دوست دارند مراوده اجتماعی داشته باشند. در شرایط کنونی جامعه ما، مردم بیشتر به فکر سواستفاده از همدیگر هستند. کارهای گروهی و جمعی را بر کارهای فردی ترجیح می‌دهم.	۰/۷۵

## حقوق شهروندی

حقوق شهروندی شامل حقوق و تکالیف مردم در برابر جامعه و یکدیگر و اصول و اهداف و وظایف و روش انجام دادن آن است. در پژوهش حاضر، حقوق شهروندی شامل حقوق و وظایف و مسئولیت‌های افراد جامعه و دارای شاخص‌هایی چون حقوق مدنی (آزادی بیان و اندیشه، برابری در برابر قانون، و جز آن)، حقوق اجتماعی (برابری در فرصت‌ها، استفاده از خدمات مختلف، و جز آن)، و حقوق سیاسی (حق رأی، مشارکت در امور سیاسی، و جز آن) است و شهروندان باید به آن‌ها آگاه باشند و به آن‌ها تمایل نشان دهند و آن‌ها را به کار گیرند. در جدول شماره ۲، ابعاد و گویه‌های حقوق شهروندی آورده شده است.

جدول ۲. گویه‌های حقوق شهروندی به تفکیک ابعاد آن

متغیر	ابعاد	گویه‌ها	آلفای کرونباخ
حقوق شهروندی	حقوق مدنی	آزادی بیان و اندیشه، آزادی مذهب و اعتقادات، آزادی قلم، آزادی در تابعیت یا ملیت، آزادی و امنیت فردی، بیان آزادانه مطالب از سوی مطبوعات و رسانه‌ها، آزادی در تعاملات و ارتباطات، جریان آزادانه دسترسی به اطلاعات، برابری در برابر قانون، حق داشتن مالکیت	۰/۹۴
	حقوق سیاسی	حق رأی، حق مشارکت در امور سیاسی، آزادی در عضویت در انجمن‌ها و اجتماعات	۰/۷۸
	حقوق اجتماعی	برابری در فرصت‌ها، حق برخورداری از رفاه و خدمات اجتماعی، حق برخورداری از تامین اجتماعی، حق برخورداری از امنیت اجتماعی، حق برخورداری از اشتغال، حق برخورداری از آموزش	۰/۹۱

## یافته‌های پژوهش

## توصیفی

یافته‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد که ۵۳/۷ درصد از پاسخگویان، مرد و ۴۶/۳ درصد آنها زن می‌باشند. همچنین، ۴۱/۸ درصد از افراد حاضر در تحقیق، مجرد و ۵۸/۲ درصد آنها

متاهل هستند. میزان تحصیلات اکثر پاسخ‌گویان با ۳۱/۴ درصد، در سطح کارشناسی و بعد از آن با ۳۱/۱ درصد در سطح دیپلم می‌باشد. همچنین، پاسخ‌گویان در بازه سنی ۱۵ تا ۶۵ سال قرار دارند و میانگین سنی این افراد حدود ۴۲/۴ می‌باشد.

جدول ۳، توزیع درصدی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و ابعاد آن را نشان می‌دهد. نتایج این جدول در بعد حقوق مدنی نشانگر این است که شهروندان از حق «آزادی در تعاملات و ارتباطات» با ۱۸/۶ درصد بیشترین ناآگاهی را دارند. بعد از آن، بیشترین ناآگاهی شهروندان از حق «جریان آزادانه دسترسی به اطلاعات» با ۱۷/۷ درصد می‌باشد. بیشترین میزان آگاهی در بعد مدنی به حق «آزادی و امنیت فردی» تعلق دارد، به طوری که ۲۰/۱ درصد از شهروندان از این حق در حد خیلی زیاد آگاهی دارند. بعد از آن، حق مالکیت با ۱۹/۲ درصد در حد زیاد، دارای بیشترین میزان است. همچنین، نتایج این جدول در بعد حقوق سیاسی حاکی از آن است که شهروندان از حق «آزادی در عضویت در انجمن‌ها و اجتماعات» با ۱۸/۹ درصد بیشترین ناآگاهی را دارند. بیشترین میزان آگاهی در بعد سیاسی به «حق رأی» تعلق دارد، به طوری که ۲۷/۱ درصد از شهروندان از این حق در حد خیلی زیاد آگاهی دارند. نتایج این جدول در بعد حقوق اجتماعی نشانگر این است که شهروندان از حق «برابری در فرصت‌ها» با ۱۹/۸ درصد بیشترین ناآگاهی را دارند. بیشترین میزان آگاهی در بعد حقوق اجتماعی به «حق برخورداری از آموزش» تعلق دارد، به طوری که ۲۲/۶ درصد از شهروندان از این حق در حد خیلی زیاد آگاهی دارند.

جدول ۳. توزیع درصدی میزان آگاهی از حقوق شهروندی

گویه‌های آگاهی از حقوق شهروندی	عدم اطلاع	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد
آزادی بیان و اندیشه	۱۴	۱۸	۱۰/۱	۳۵/۱	۱۳/۷	۹/۱
آزادی مذهب و اعتقادات	۱۲/۲	۱۱/۹	۸/۲	۲۷/۷	۲۲	۱۸
آزادی قلم	۱۵/۲	۱۹/۸	۱۶/۸	۲۶/۸	۱۱	۱۰/۴
آزادی در تابعیت یا ملیت	۱۴/۳	۱۳/۴	۱۴/۳	۲۰/۷	۱۸/۶	۱۸/۶
آزادی و امنیت فردی	۱۱/۹	۹/۱	۱۱/۶	۲۵/۶	۲۱/۶	۲۰/۱
بیان آزادانه مطالب از سوی مطبوعات و رسانه‌ها	۱۶/۸	۱۶/۲	۱۴/۳	۲۹/۳	۱۵/۲	۸/۲

۹/۱	۱۵/۵	۲۸	۱۵/۵	۱۳/۱	۱۸/۶	آزادی در تعاملات و ارتباطات
۸/۲	۱۲/۸	۲۵/۹	۲۱	۱۴/۳	۱۷/۷	جریان آزادانه دسترسی به اطلاعات
۱۷/۴	۱۵/۵	۲۳/۵	۱۲/۸	۱۴/۹	۱۵/۹	برابری در برابر قانون
۱۹/۲	۲۴/۴	۲۶/۸	۹/۵	۸/۸	۱۱/۳	حق داشتن مالکیت
۲۷/۱	۲۳/۲	۲۰/۷	۱۰/۷	۸/۵	۹/۸	حق رأی
۱۲/۵	۱۱	۲۱	۱۶/۲	۱۸/۳	۲۱	حق مشارکت در امور سیاسی
۱۱	۱۴/۳	۲۳/۸	۱۷/۷	۱۴/۳	۱۸/۹	آزادی در عضویت در انجمن‌ها و اجتماعات
۹/۸	۱۴/۳	۲۲/۳	۱۸/۶	۱۵/۲	۱۹/۸	برابری در فرصت‌ها
۱۵/۵	۱۵/۹	۲۶/۵	۱۳/۷	۱۲/۲	۱۶/۲	حق برخورداری از رفاه و خدمات اجتماعی
۱۶/۲	۲۱/۳	۲۵	۱۴	۱۰/۷	۱۲/۸	حق برخورداری از تامین اجتماعی
۱۹/۵	۲۲/۹	۲۷/۴	۱۰/۷	۷	۱۲/۵	حق برخورداری از امنیت اجتماعی
۱۵/۵	۱۴/۶	۱۹/۸	۱۴/۶	۱۹/۵	۱۵/۹	حق برخورداری از اشتغال
۲۲/۶	۲۱	۲۴/۱	۱۲/۵	۸/۲	۱۱/۶	حق برخورداری از آموزش
میانگین حقوق شهروندی = ۴۱/۲۸						

در جدول ۴ میزان امنیت اجتماعی و شاخص‌های آنها، قابل مشاهده است. بر اساس اطلاعات این جدول مشاهده می‌شود که میانگین امنیت اجتماعی پاسخ‌گویان ۲/۹۷ است و در سطح متوسطی قرار دارد. با توجه به نتایج این جدول، ۳۱/۲ درصد از پاسخگویان در حد پایین، ۳۷/۵ درصد در حد متوسط و ۳۱/۲ درصد در حد بالا از امنیت اجتماعی برخوردارند.

جدول ۴. میزان امنیت اجتماعی و شاخص‌های آن بر حسب فراوانی و درصد

امنیت اجتماعی	امنیت جمعی	امنیت فکری	امنیت هویتی		
۱۲۰	۱۰۲	۱۱۴	۶۰	فراوانی	پایین
۳۱/۲	۲۶/۶	۲۹/۷	۱۵/۶	درصد	
۱۴۴	۱۸۰	۱۵۶	۱۰۸	فراوانی	متوسط
۳۷/۵	۴۶/۹	۴۰/۶	۲۸/۱	درصد	
۱۲۰	۱۰۲	۱۱۴	۲۱۶	فراوانی	بالا
۳۱/۲	۲۶/۶	۲۹/۷	۵۶/۲	درصد	
۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	فراوانی	کل
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	
۲/۹۷	۲/۹۳	۲/۶۳	۳/۳۶		میانگین
۰/۲۹	۰/۵۵	۰/۵۷	۰/۳۶		انحراف معیار

### استنباطی

یافته‌های استنباطی پژوهش بیانگر آن است که بین حقوق شهروندی و امنیت اجتماعی رابطه معنادار مستقیمی وجود دارد؛ به طوری که با افزایش میزان حقوق شهروندی شهروندان، امنیت اجتماعی آنها نیز افزایش پیدا می‌کند. همچنین بین حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی با امنیت اجتماعی نیز همبستگی مستقیمی وجود دارد و با افزایش میزان حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی شهروندان، امنیت اجتماعی آنها نیز افزایش می‌یابد. این یافته‌ها در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. بررسی رابطه حقوق شهروندی و ابعاد آن با امنیت اجتماعی

نتیجه آزمون	امنیت اجتماعی	امنیت جمعی	امنیت فکری	امنیت هویتی	متغیر مستقل
تأیید فرضیه	۰/۳۸**	۰/۳۳*	۰/۲۰*	۰/۳۲**	حقوق مدنی
تأیید فرضیه	۰/۴۶**	۰/۴۰**	۰/۳۱**	۰/۴۱**	حقوق سیاسی
تأیید فرضیه	۰/۴۳**	۰/۳۷**	۰/۳۰**	۰/۴۰**	حقوق اجتماعی
تأیید فرضیه	۰/۴۸**	۰/۳۶**	۰/۱۸۶**	۰/۴۴**	حقوق شهروندی

\* ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است. \*\* ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است.

در ادامه به منظور مشخص شدن سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به تحلیل رگرسیونی پرداخته می‌شود. جدول ۶ مدل رگرسیونی چندگانه امنیت اجتماعی شهروندان تهرانی را نشان می‌دهد. اطلاعات این جدول نشان می‌دهد که همبستگی چندگانه (R) معادل ۵۲ صدم است که گویای این مطلب است که متغیرهای حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی به‌طور همزمان ۵۲ درصد با امنیت اجتماعی ارتباط دارند. ضریب تعیین ( $R^2$ ) نیز ۲۷ صدم محاسبه شده است. به این معنی که حدود ۲۷ درصد از تغییرات امنیت اجتماعی توسط سه متغیر حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی توضیح داده می‌شود. ضرایب تأثیر استاندارد موجود در این جدول نشان می‌دهد که قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های متغیر امنیت اجتماعی به ترتیب متغیرهای، حقوق سیاسی (بتا=۰/۳۷)، حقوق اجتماعی (بتا=۰/۳۰) و حقوق مدنی (بتا=۰/۲۸) می‌باشند.

جدول ۶. آماره‌های تحلیل رگرسیون چندگانه برای تبیین امنیت اجتماعی پاسخگویان

متغیرهای مستقل	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد	مقدار t	سطح معناداری
حقوق سیاسی	۰/۴۷	۰/۳۷	۴/۷۶	۰/۰۰۰
حقوق اجتماعی	۰/۴۱	۰/۳۰	۳/۹۱	۰/۰۰۰
حقوق مدنی	۰/۳۸	۰/۲۸	۳/۲۱	۰/۰۰۱
خلاصه مدل	$\text{Sig} = ۰/۰۰۰$	$F = ۳۴/۱۲$	$R^2 = ۰/۲۷$	$R = ۰/۵۲$

### نتیجه‌گیری

امنیت در هر جامعه‌ای از اساسی‌ترین نیازهای اجتماعی است که افراد جامعه باید از آن برخوردار باشند. امنیت، احساس آرامش و اطمینان همه‌جانبه به حال و آینده است، به‌نحوی که نگرانی نسبت به هیچ اموری وجود نداشته باشد. به جرأت می‌توان امنیت در ابعاد مختلف آن را از مهم‌ترین نیاز انسان در ادوار مختلف تاریخ دانست؛ تا هنگامی که حقوق شهروندی در زمینه امنیت انسان در اجتماع تأمین و تضمین نشده باشد، تأمین و تضمین سایر حقوق شهروندی کارآمدی لازم برای ساخت یک اجتماع آرامش‌بخش نخواهد داشت. برقراری امنیت در جامعه نیز متأثر از رویکردهای موجود در آن جوامع و به تناسب تحول مفهوم امنیت در طول قرون قبل و معاصر صورت می‌پذیرد. امروزه یکی از راهکارهای موثر و کارآمد برای برخورداری از امنیت و سایر شاخص‌های حقوق شهروندی مشارکت فعال دولت و شهروندان در پروسه

شهروندسازی است. زیرا که یکی از ویژگی‌های جهان معاصر برجستگی و محوریت انسان و موضوعات مرتبط با او در عرصه‌های مختلف است، یعنی بر خلاف دنیای قدیم، انسان در دنیای معاصر یک فاعل شناسایی فعال است که با کمک گرفتن از عمل، علم و تجربه قدم به شناسایی طبیعت و خود گذاشته و برای خود مرزی نمی‌شناسد و از طرفی دیگر خود انسان‌ها روابط خودشان را بر اساس اراده آزاد و عقلانی تنظیم می‌کنند و در مقام تنظیم روابط با یکدیگر و با دیگر نهادهای اجتماعی می‌باشند. از طریق فراهم نمودن امکانات، تسهیلات و ساز و کارهای لازم برای شهروندان تا آنها از حقوق شهروندی‌شان بهره‌مند شوند و ضمناً بتوانند به نحوی مناسب وظایف و تکالیف شهروندی‌شان را در قبال جامعه محلی و شهری که در آن زندگی می‌کنند انجام دهند. در واقع، عوامل و زمینه‌های متعددی در شکل‌گیری و ایجاد آن، نقش ایفا می‌کنند که حقوق شهروندی و ابعاد آن (حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی) به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر آن، در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌های توصیفی پژوهش بیانگر آن است که میانگین حقوق شهروندی و ابعاد آن یعنی حقوق مدنی، حقوق سیاسی و اجتماعی در سطح متوسطی قرار دارد. همچنین میانگین امنیت اجتماعی (۲/۹۷) نیز در سطح متوسطی قرار دارد. اما یافته‌های استنباطی پژوهش بیانگر آن است که بین حقوق شهروندی و امنیت اجتماعی رابطه معنادار مستقیمی وجود دارد؛ به طوری که با افزایش میزان حقوق شهروندی شهروندان، امنیت اجتماعی آنها نیز افزایش پیدا می‌کند. همچنین بین حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی با امنیت اجتماعی نیز همبستگی مستقیمی وجود دارد و با افزایش میزان حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی شهروندان، امنیت اجتماعی آنها نیز افزایش می‌یابد. این یافته‌ها در جدول ۵ نشان داده شده است. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش هزار جریبی و صفری شالی (۱۳۸۹) است که در پژوهش خود نشان دادند برای شکل گرفتن امنیت اجتماعی در جامعه، لازم است که شهروندی تعریف و رعایت گردد.

نتایج مدل رگرسیون نیز بیانگر آن است که ۲۷ درصد از تغییرات یا واریانس امنیت اجتماعی توسط سه متغیر حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی قابل تبیین است. همچنین قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های متغیر امنیت اجتماعی به ترتیب متغیرهای، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی و حقوق مدنی می‌باشند.



در توجیه نظری یافته‌های بالا می‌توان گفت که یکی از راه‌های تحقق امنیت اجتماعی در جامعه، افزایش آگاهی از حقوق شهروندی و تربیت شهروندانی آگاه از حق و حقوق و وظایف‌شان است. برای شتاب بخشیدن به این فرایند لازم است که افراد جامعه به شهروندانی مشارکت‌جو و فعال در عرصه عمومی تبدیل شوند. شهروند شدن نیز نیازمند یادگیری، آموزش و تمرین است. این تمرین‌ها باید با همکاری و مشارکت شهروندان و با پشتیبانی مادی و معنوی نهادهای مسئول آموزش داده شود. در این راستا تحصیلات و آموزش نقشی تعیین‌کننده در مشارکت افراد در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی به عنوان شهروند دارد. شهروندان باید به بسیاری از قوانین و مقررات در زمینه‌های گوناگون همچون: پرداخت مالیات، خدمت سربازی، نگهداشت اموال عمومی، رعایت بهداشت، چگونگی رویارویی با رخدادهای... آشنایی داشته باشند. شهروندان بی‌بهره از چنین آگاهی‌ها و ناآشنا به وظایف حقوق مدنی و اجتماعی خود، نه می‌توانند گرهی از مشکلات خود بکشایند، نه باری از دوش دولت بردارند. بنابراین لازم است که در هر جامعه، امکانات و ابزارهایی برای آموزش شهروندان و آشنا کردن آنان با حقوق، وظایف و مسئولیت‌هایشان فراهم آید.

## منابع

## فارسی

- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولتها، هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- حسام، فرحناز (۱۳۸۱). هویت شهروندی. ماهنامه شهرداری‌ها، سال پنجم، شماره ۵۱، صص ۱۱-۱۳.
- حکیمی، سید سینا و رضایی‌پور، ادريس (۱۳۹۴). آگاهی از حقوق شهروندی و امنیت اجتماعی در جامعه، همایش سراسری تبیین حقوق شهروندی، ارومیه، جهاد دانشگاهی واحد آذربایجان غربی.
- فالکس، کیث (۱۳۸۴). شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- کلاهیچیان، محمود (۱۳۸۴). راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی. مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی. تهران: معاونت اجتماعی نیروی انتظامی.
- نبوی، سیدعبدالحسین؛ حسین‌زاده، علی حسین و حسینی، سیده هاجر (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی، جامعه‌شناسی کاربردی. سال بیست و یکم، شماره پیاپی ۴۰، شماره چهارم، صص ۹۶-۷۳.
- نصری، قدیر (۱۳۷۸). معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت، تهران: موسسه مطالعات راهبردی.
- نوروزی، فیض‌الله و فولادی سپهر، سارا (۱۳۸۸). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۲۹-۱۵ ساله شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳، صص ۱۵۹-۱۲۹.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲). درآمدی بر امنیت اجتماعی، مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۱۹، صص ۷۶-۵۵.
- هزار جریبی، جعفر و صرفی شالی، رضا (۱۳۸۹). بررسی تعامل دو مفهوم شهروندی و امنیت اجتماعی، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال سوم، شماره ۳، صص ۱۸۴-۱۵۷.
- واتقی، قاسم (۱۳۸۰). تدابیر و سیره عملی علی(ع) در تأمین امنیت اجتماعی، مرکز تحقیقات و پژوهش‌های ناجا.

- Buzan, B. (۲۰۰۰). Security studies: Beyond strategy. Cambridge University Press
- Habermas, J (۱۹۹۲). Citizenship and National Identity: some Reflections on the Future of Europe, in .B.S Turner and P.Hamilton, and, Citizenship Critical Consept, London: Routledge.
- Janoski, T. (۱۹۹۸). Citizenship and Civil Society: A Framework of Rights and Obligations in Liberal, Traditional, and Social Democratic Regimes. New York: Mac Graw Hill.
- Janowitz, M. (۱۹۷۸). The Last Half-century: Societal change and Politics in America. Chicago: The University of Chicago.
- Marshall, T. M. (۱۹۹۴). Citizenship and Social Class. In B.S.Turner & P.Hamilton, Citizenship: Critical Concepts. London: Routledge.
- McLaughlin, T. H. (۲۰۰۸). Citizenship, diversity and education: A philosophical perspective. In David Carr, Mark Halstead & Richard Pring (Eds.), Liberalism, education and schooling: Essays by T.H. McLaughlin (pp. ۱۲۰-۱۳۶). Exeter: Imprint Academic.
- Oliver, D. & Heater, D. (۱۹۹۴). The foundations of citizenship. Greate Britain: Harvester Wheatsheaf.